

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران و

جمهوری اسلامی افغانستان»

(اعاده شده از شورای نگهبان)

مقدمه

به طور کلی انعقاد موافقتنامه‌های همکاری قضایی، انتقال محکومان و استرداد مجرمان و امثال آن بین ایران و سایر کشورها لازمه تمثیت امور قضایی ایران از جهت رفع موانع اجرای عدالت قضایی به جهت خارج بودن موضوع از قلمرو صلاحیت سرزمینی محاکم ایران و یا نبود امکان مادی اجرای آرای محاکم به جهت در دسترس نبودن مجرمان می‌باشد، لکن انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی از دو حیث واجد اشکال شرعی است. اولاً امور قضایی بر پایه اعتبارات بنیان نهاده شده و موضوعات و احکام ملاک عمل در این حوزه کاملاً تابع نظر قانونگذاران هر کشور می‌باشد، بنابراین اولاً از جهت شرعی لازم است مراجع ذیربط در اعتبار این امور و ضروری است مراجعی که به شناسایی موضوعات و اجرای احکام قضایی می‌پردازند دارای صلاحیت شرعی باشند، ثانیاً قوانین مستند آرای قضایی از حیث عدم مغایرت با موازین شرعی مورد نظارت و بررسی فقهی قرار گیرند.

تحلیل ایرادات شورای نگهبان

۱. جزء چهار ماده (۱) مقرر داشته است: (اقارب شخص محکوم، به مفهومی است که در قانون دولت متبوع محکوم تعریف شده است) حال آنکه بنابر فقه اسلامی اقارب از جمله مفاهیم اعتباری هستند که شارع مقدس اقدام به تعریف آن نموده است، بنابراین محتمل است تعریف مفهوم و قلمرو مصداق آن در قوانین افغانستان مغایر موازین شرع باشد.

۲. ماده (۱۲) در بند «۵» مقرر نموده است «چنانچه ... محکومیت از نظر ماهیت یا مدت با قانون دولت اجراکننده حکم مغایر باشد یا در صورتی که قانون آن ایجاب نماید آن دولت می‌تواند محکومیت را با مجازات یا اقداماتی که طبق قوانین وی برای همان جرم مقرر گردیده است تطبیق دهد». بنابراین محاکم دولت افغانستان اجازه خواهند داشت در صورت صلاحدید در چارچوب این بند اقدام به تبدیل مجازات مقرر در حکم دادگاه‌های ایران نمایند. حال آنکه تبدیل مجازات امری است که مستلزم صلاحیت شرعی مرجع تبدیل‌کننده و رعایت موازین و احکام شرعی در تعیین مجازات جایگزین می‌باشد.

۳. ماده (۱۲) در بند «۶» مقرر نموده: «... در صورت تبدیل محکومیت، دولت اجراکننده حکم آیین دادرسی خود را اعمال خواهد کرد ...» حال آنکه مقررات آیین دادرسی مدنی و هرگونه مقرر شده شکی در رسیدگی و

اجرای مجازات‌ها، جزئی از امور قضایی بوده و لازم است مطابق با موازین شرعی اعتبار و اعمال گردد به‌علاوه محدودیت‌های مقرر در بخش‌های ذیل این بند به‌خصوص «ب» و «د» رافع اشکال نمی‌باشد.

۴. ماده (۱۳) نیز به هریک از طرفین اجازه داده است که طبق قوانین داخلی خود مجازات‌ها را مورد عفو، بخشودگی و تخفیف قرار دهد بنابراین واجد ایراد شرعی می‌باشد چرا که اطلاق اذن مصرح در این ماده شامل صلاحیت محاکم دولت افغانستان در عفو و تخفیف مجازات‌های مقرر در آرای قطعی محاکم ایران می‌باشد به‌علاوه این ماده قید اجرای این حکم را رعایت قوانین داخلی کشور اجراکننده دانسته درحالی که محتمل است این قوانین خود مغایر موازین شرعی باشند.

نتیجه‌گیری

اولاً موارد عدیده‌ای در این موافقتنامه از جمله مواد (۱)، (۱۲) و (۱۳) مستقیماً واجد شبهه مغایرت با موازین شرع می‌باشد ثانیاً به جهت ماهیت اعتباری امور مصرح در چنین موافقتنامه‌هایی با توجه به عدم اطمینان از مطابقت قوانین موضوع این موافقتنامه‌ها با موازین شرعی، کلیت انعقاد آنها محل اشکال می‌باشد. لکن در صورتی که نمایندگان محترم تصویب این موافقتنامه را واجد چنان ضرورتی می‌دانند که وانهادن آن منجر به ضرر و تعطیلی مصالح ملزمه خواهد شد می‌توانند با تصریح به احراز عنوان ثانوی ضرورت بر تصویب آن اصرار نمایند.